

طلاب جهادی و تکاپوی فرانقش

مقدمه

حوزه‌های علمیه از همان ابتدای پدیداری خود، نهادی رسالتی بوده و دست کم تا پیش از انقلاب اسلامی از ساختار و تشکیلات منسجم و سلسله مراتبی برخوردار نبوده است. نهاد مرجعیت به جز برخی زمان‌ها که وحدت مرجعیت مشاهده شده، در بیشتر اوقات متکثر بوده است. آنان برای اداره حوزه‌های علمی بر پایه نوعی مناسبات مدرسه‌ای، به تنظیم رفتار و کارویژه‌های حوزویان می‌پرداختند. درباره این که حوزه علمیه چه نوع سازمانی است بحث‌هایی درگرفته است، اما آنچه مهم‌تر است این که اولاً، بدانیم که حوزه یک نهاد و تشکیلات دینی مدنی است؛ ثانیاً، فلسفه وجودی آن را باید از اهداف و کارکردهایش جست‌وجو کرد.



علیرضا زهیری *

بن‌مایه مرجعیت و عالمان دینی به عنوان تبیین و ترویج کننده آموزه‌های مذهب و احکام شرعی پیشینه‌ای بسیار دور دارد. شاید در مانیفست حوزه‌های علمی، مهم‌ترین آیه‌ای که رسالت آنان را تعیین کرده است و بسیار به آن تمسک می‌جویند.^۱ و نقش‌ها و کارویژه‌های سه‌گانه‌ای را برای حوزویان ترسیم می‌کند، آیه «نفر» و یا «انذار» می‌باشد، که خداوند می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۲

این نقش‌ها عبارتند از:

۱. درک و فهم عمیق از دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی «لیتفقهاوا»؛

۲. بازگشت به میان مردم، انذار و هشدار آنها و ابلاغ پیام دین «لینذروا»؛

۳. تلاش برای تحقق آرمان دینی، به بیانی دیگر تبلیغ هدفمند و امید به اثرگذاری آن «لعلهم یحذرون»^۳.

الویری، حوزه‌های علمیه را اصلی‌ترین نهاد آموزش، تربیت و سازماندهی صاحب‌نظران و مبلغان اسلامی در سطوح مختلف می‌داند که با پیشینه دراز و به منزله یک سازمان اجتماعی دارای اهداف، ساختار، سازوکار و نقش و کارکرد درونی و اجتماعی خاصی بوده است. وی با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی معتقد است که حوزه‌های علمیه از جمله سازمان‌های غیردیوان‌سالار و از

گروه‌های خودیار اجتماعی‌اند که نقش اجتماعی خود را از نظام‌های معطوف به ارزش الهام می‌گیرند. در حالی که برخی نویسندگان، ابهام در اهداف و رسالت‌های حوزه‌را یکی از کاستی‌های حوزه نام برده‌اند، وی اهداف و رسالت‌هایی به شرح زیر برای حوزه‌ها برمی‌شمرد: شناخت معارف اسلامی، تبیین دین، تبلیغ دین، و دعوت مردم به سوی خدا، دفاع از دین، استنباط حکم، همراه ساختن علم و اخلاق و تعهد اجتماعی، حفظ نظام اسلامی، تقویت حوزه و تربیت نیرو برای انجام رسالت‌های یادشده.

رسالت اصلی حوزه‌ها را می‌توان فرادهی و فراگیری معارف دینی در حیطه‌های مختلف با انگیزه الهی و با جهت‌گیری تربیتی و اخلاقی و انتقال آن به مردم در قالب آموزش، تبلیغ و همراه کسب مهارت‌های جانبی مانند خطابه و مناظره دانست، تحولات عصر جدید و گسترش فناوری و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی، تحولاتی جدی در رسالت‌های حوزه‌های علمیه پدید آورده و برآوردن نیازهای نظام حکومت اسلامی و افزایش گستره مخاطبان به همه پهنه جهان، در زمره رسالت‌های نوین آن قرار گرفته است.^۴

بنابراین حوزویان کسانی هستند که این نقش‌ها و وظایف را بر عهده می‌گیرند. اما پرسش این است که آیا همه آنچه مسئولیت و نقش روحانیون را تعیین می‌کند منحصر به فهم دین و ابلاغ آن است و یا مسئولیت‌های دیگری نیز بر عهده آنان می‌باشد؟ به نظر

رسانه‌های کشور گاهی شنیده می‌شود؛ حتی سرسخت‌ترین مدافعان حضور روحانیان در همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، هنری، ورزشی، تفریحی، علمی، درمانی و... گاهی زبان به شکوه می‌کشایند و از وضعیت موجود اظهار ناخرسندی می‌کنند. با وجود این، دانسته نیست که چرا کسی به ریشه این آسیب‌ها توجه نمی‌کند. متأسفانه روحانیت در کشور ما، تقریباً تغییر کاربری داده است و دیگر نمی‌تواند - نه این که نخواهد - به رسالت اصلی و پیشین خود عمل کند. روحانیت هم‌چنان مردم را به اخلاق و معنویت دعوت می‌کند، و از قضا بیش از هر دوره‌ای در تاریخ ایران، فرصت سخنرانی‌های دینی و معنوی یافته است. اما جایگاه و نوع مشاغل و مشغله‌ها و ارتباطات و مسئولیت‌هایی که پذیرفته است، از تأثیرگذاری معنوی و اخلاقی او کاسته است. این تصور خام که سیاست را می‌توان مهار زد و رام دین کرد، روحانیت را به گوشه‌ای از رینگ جامعه برد که بسیاری از شهروندان برای سامان بخشی به امور معنوی و اخلاقی خود به آن جا نمی‌روند. این جدایی، هم به زیان روحانیت است و هم برای یک جامعه شرقی زیان‌بار است.^۵

در مقابل، مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمیه کشور در رویکردی حداکثری کارویژه‌های روحانیت را بر اساس پاسخ‌گویی حوزه‌های علمیه به نیازهای خرد و کلان می‌داند که این نیازها در چهار سطح نیازهای حوزه علمیه، جامعه اسلامی، نظام جمهوری

می‌رسد پاسخ کلی این است که فهم، ابلاغ و ترویج دین مسئولیت اصلی و مطابق هویت شأنی و ذاتی حوزویان است اما اقتضائات و شرایط زمانه به ویژه پس از انقلاب اسلامی، مسئولیت‌های دیگری نیز بر دوش آنان قرار داده است. اغلب ابهامات درباره نقش روحانیت و حوزه‌های علمیه از تکثر دیدگاه‌ها درباره این مسئولیت‌های اقتضایی است.

رخداد انقلاب اسلامی، دگردیسی در نهادهای اجتماعی را در پی داشت تا جایی که حوزه‌های علمیه نیز این دگردیسی را تجربه کردند. تحول در موقعیت روحانیت نه تنها مناسباتش با ساختار قدرت سیاسی را فزاینده ساخت بلکه عده‌ای از آنان را در کسوت سیاست‌مداران رسمی درآورد. برخی نیز وارد فضاهای هنری و ورزشی شدند؛ به فیلم‌سازی و سایر فعالیت‌های هنری پرداختند یا با عنوان کارشناس یا فعال اقتصادی یا سیاسی تجربه نقش‌های دیگری را برای خود ثبت کردند. این تغییر در موقعیت اگر نگوئیم تغییر هویت، دست کم به تردید در هویت و نقش حوزویان انجامیده است. از صاحبان سخن و قلم زیاد شنیده می‌شود که روحانیت دچار «از جاکنندگی» شده و یا روحانیت «تغییر کاربری» داده است یا دیگر در جای خود نیست؛ و نه تنها برخی اختلافات درون صنفی بلکه کاهش منزلت روحانیت را به این «تغییر مکان» آنان نسبت می‌دهند.

یکی از حوزویان می‌نویسد: چنین انتقادهایی به طور پراکنده از رسمی‌ترین

اسلامی و نیازهای بین الملل می باشد.^۶ در رویکرد حداقلی، نقش های محدود معنوی و اخلاقی و ترویجی برای حوزویان مورد توجه است و تفسیرهای محدودتری از آموزه های دینی و سیره علما در مسئولیت های اجتماعی آنان ارائه می شود. در مقابل، رویکرد حداکثری نیز معیار روشنی برای ایفای نقش های متکثر برای حوزویان بیان نمی کند. هر دو رویکرد به این پرسش که حوزویان چه «نقش» هایی می توانند بر عهده بگیرند به خوبی پاسخ نمی دهند. در حال حاضر حضور طلاب علوم دینی در بحران شیوع بیماری کرونا، فرصتی دست داد تا گفت و گوهایی درباره طلاب جهادی حاضر در میدان مبارزه با این بیماری توسط پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی انجام گیرد. این نوشتار با تکیه بر آن گفت و گوها به بررسی موضوع نقش طلاب جهادی در این تکاپو می پردازد؛ در عین حال بهانه ای است تا فراتر از آن، به مسئله فرانش ها که امروزه حوزویان مجال حضور در آن ها را یافته اند، اشاراتی داشته باشد.

● بحران پاندومی و نقش های ناسازه

هنگامه شیوع بیماری کرونا، شرایطی را پدید آورد که همه کنش گران اجتماعی را وادار به تحرک تازه ای در این بحران ساخت. حوزویان نیز به مثابه گروهی از کنش گران اجتماعی به صورت فعالی به مواجهه با این بحران پرداختند. در برخی گزارش ها به حضور بیش از دوازده هزار طلبه در میدان مبارزه با کرونا اشاره شده

است. هم چنین حضور بیش از شش صد نفر از خواهران طلبه در بیمارستان ها و آرامستان ها و حدود پنج هزار نفر دیگر در فضاهای پشتیبانی و خیریه، نشان دهنده حجم گسترده ای از حضور و فعالیت حوزویان در این میدان است. همکاری با مددکاران اجتماعی در قالب «مشاوره سوگ» و همدلی و همپاری با خانواده های سوگوار، ارائه مباحث معنوی و عاطفی برای مدیریت احساسات و عواطف و رفتارهای مردم، حمایت و پشتیبانی از کادر درمان، حمایت و پشتیبانی معیشتی نیازمندان و آسیب دیدگان از بحران کرونا، حضور در پمپ بنزین ها به عنوان آلوده ترین محیط ها پس از بیمارستان ها و ... از جمله موارد دیگری بود که روحانیون و طلاب جهادی را به حضور فعال و مؤثری در زمانه بحران کشاند.

مخاطبان اصلی طلاب جهادی، مردمی هستند که هدف اصلی دین داری اند. بسیاری از طلاب و روحانیون با توجه به اقتضات زمانه و شرایط محیطی، برای ارتقای دین داری مردم که از مسئولیت های خود می دانند، از روش های متعدد و متفاوتی برای تبلیغ دین بهره می گیرند. انتخاب برخی روش ها همواره مجادلاتی درون صنف روحانیت و یا بیرون آن، پدید آورده است. در همین بحران اخیر در حوزه سلامت، حضور حوزویان در بیمارستان ها، آرامستان ها و پمپ بنزین ها و حتی ضد عفونی کردن خیابان ها و خرید نیازهای عمومی برای مردم، نمونه هایی از اقدامات اجتماعی برای گسترش معنویت دینی و تسهیل در انجام امور شرعی بوده است.

گروه سازندگی امام موسی صدر، تجربیات خود را برای کشورهای مختلف مانند آلمان و بوسنی ارائه کردیم. از نکات مهم دیگر در بیان این تجارب، بیان تفاوت‌ها و تمایزات کار جهادی با کار پیش‌آهنگی و داوطلبانه‌های مرسوم در جهان است. در همایشی که در تونس برای انجمن‌ها و گروه‌های مردمی داشتیم، روی این نکته تاکید کردم که فعالیت داوطلبانه ما بر اساس نگاه اسلامی است نه انسانی. اعتقاد ما بر این است چون خداوند به ما دستور داده و دین از ما خواسته است، این کار را انجام می‌دهیم. این نکته را هم اضافه کنم، در آن برهه‌ی زمانی در تونس، قدری نگاه‌های سلفی‌گری و اسلام سیاسی پررنگ بود و برای حضور اسلام در جامعه، تنها، راه‌های خشن را توصیه می‌کردند. به نظرم فعالیت‌های جهادی یک راهکاری بود که می‌توانست انرژی موجود در جوانان مسلمان را که دوست دارند دیده شوند، به میدان بیاورد تا به جامعه خدمت کنند و به دنیا نشان بدهیم که دین ما چنین دینی است که به ما دستور می‌دهد به فکر دیگران باشیم و خدمت بکنیم.^۸

آنچه برای طلاب جهادی فرصت ایجاد کرده است، ویژگی‌های مشترک در هویت آنان است. برخورداری از صفاتی همچون معنویت‌گرایی، امید آفرینی و پای‌بندی به اصول اخلاقی است که از یک طرف، هویت آنان را می‌سازد و از طرف دیگر، آنان را از سایر فعالان اجتماعی متمایز می‌سازد. وجود همین ویژگی‌هاست

حضور طلاب جهادی در میدان مبارزه با کرونا این پرسش را پیش‌رو نهاد که چه نسبتی میان هویت و نقش حوزویان با فعالیت‌های آنان به عنوان طلاب جهادی وجود دارد؟ و اساساً چه معیاری وجود دارد تا نشان دهد کدام‌یک از این اقدامات و رفتار حوزویان با نقش آنان هم‌ساز است و کدام ناهم‌ساز؟ بی‌گمان انگیزه‌هایی که طلاب را وارد میدان مبارزه و جهاد با این بیماری همه‌گیر ساخته است می‌تواند در پاسخ به این پرسش ما را یاری رساند.

حجة الاسلام مرادی، در یکی از گفت‌وگوهای وبیناری اعلام می‌دارد که: «از ابتدای بحران کرونا قرارگاهی را در تهران با چهار هدف زیر تشکیل دادیم: ۱. ارتقای امید در سطح جامعه برای مقابله با این ویروس؛ ۲. جلوگیری از انتشار ویروس؛ ۳. اصلاح ذهنیت‌ها نسبت به روحانیت از طریق خدمت‌رسانی اجتماعی؛ ۴. کادرسازی و ارتقای تشکیلاتی و الگوسازی برای مجموعه‌های مشابه.»^۹

اغلب این اهداف، هرکنش‌گر اجتماعی مسئولی را وادار به ایفای نقش و اقدام می‌کند و به گروه و قشر خاصی تعلق ندارد؛ هرچند به دلیل ملاحظات معنوی و اخلاقی حوزویان، ظرفیت‌های بیشتری برای دستیابی به اهداف اجتماعی آنان فراهم می‌شود. به نمونه‌ای از توفیقات حوزویان در یکی از تجربه‌های الگوسازی فعالیت‌های جهادی در سطح بین‌الملل اشاره می‌شود. «در سال‌های گذشته با همکاری و هماهنگی

که آن‌ها را مستعد حضور و فعالیت در این میدان بحران‌های اجتماعی می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان به ویژگی احساس مسئولیت شدید در قبال محرومان جامعه، روحیه کار برای خدا و خدمت‌گذاری صادقانه به مردم، احساس وظیفه در صورت وجود تقاضاهای فرهنگی و معنوی در جامعه، احساس دین به رسالت‌های حوزه علمیه و ادای دین از طریق خدمت‌رسانی علمی و عملی، دغدغه‌مندی برای نشر و گسترش معارف دین، انجام وظایف غیر موظفی، توانایی‌های بالقوه برای کسب آموزش و مهارت‌های جدید اشاره کرد.

● **طلاب و مسئولیت اجتماعی؛ «خود» یا «فراخود»**

پیش‌تر اشاره شد، که یکی از اهداف طلاب جهادی اصلاح ذهنیت‌های اجتماعی نسبت به روحانیت است. هدفی که برخی آن را تقلیل اهداف طلاب جهادی تلقی نموده‌اند. این‌که از طریق خدمت‌رسانی اجتماعی، ذهنیت‌ها نسبت به روحانیت اصلاح شود متضمن دو معناست. یکی این‌که روحانیت دچار بحران منزلت شده است و ورود به به میدان‌های اجتماعی را برای اصلاح موقعیت «خود» برگزیده است. دیگر آن‌که ایفای برخی نقش‌های اجتماعی آنان جنبه صنفی دارد و به حل مسئله «خود» و پاسخ به شبهاتی که متوجه روحانیت است، می‌پردازد. بی‌گمان روحانیت باید به معرفی خود و رفع شبهاتی که درباره‌اش مطرح می‌شود پردازد اما این

یک هدف اصیل تلقی نمی‌شود. در این باره دکتر مریم اردبیلی که بحث‌های خود را در قالب امدادگران فرهنگی ارائه نموده است، با انتقاد از اقدامات و رویکردهای منفعلانه که ممکن است به بحران هویت بینجامد؛ می‌گوید: «این نکته نیز قابل ذکر است که حضور روحانیت در میدان کرونا، برخی از استعاره‌های منفی نسبت به طلاب و امدادگران فرهنگی را شکست. انگاره روحانیت کنار گود، انگاره این‌که روحانیت وارد عرصه نمی‌شود و مسئله واقعی مردم را حل نمی‌کند، توسط بعضی از گروه‌های جهادی واقعاً شکسته شد ولی سؤال این است که در آینده چه استعاره‌ای در ذهن مردم از گروه‌های جهادی و طلاب باید شکل بگیرد و چگونه می‌خواهیم این استعاره را تغییر دهیم و بسازیم، نیاز به تأمل و برنامه دارد. اگر از قبل نسبت به این سؤال فکر کرده باشیم و برنامه داشته باشیم، در آن اقدامات ناگهانی و تکانه‌ای، متناقض عمل نمی‌کنیم.»^۹

هم‌چنین دکتر میثم لطیفی در مطلبی انتقادی می‌آورد: «من احساس می‌کنم ورود نیروهای جهادی طلبه به داستان کرونا یک ورود انفعالی بود. این حضور در برابر همه شدیدی بود که علیه قم و مجموعه‌های دینی کشور انجام شد. در روزهای اول، خیلی این فشار زیاد بود که منشأ بیماری قم است و قم را قرنطینه کنید. طلاب به شدت با مشکل مواجه شدند و در این فضا نیروهای جهادی طلبه وارد شدند. من مطلقاً نمی‌خواهم بگویم

حوادث طبیعی، به اصلاح ذهنیت مردم و ایجاد تغییر مثبت در دیدگاه آنان نسبت به خود بپردازد. این تکاپو اگر چه از اهداف اصیل روحانیت نمی باشد، اما موجب تثبیت مرجعیت روحانیت در امور دینی و گسترش دین داری می شود.

● نسبت فعالیت های جهادی با هویت و نقش طلبه

حجة الاسلام کریم خان محمدی معتقد است: الگوی ایده آل فعالیت های جهادی همان الگوی فعالیت های بسیج در دوران جنگ است. بنابراین با برشمردن ویژگی های بسیجی بودن انتظار خود را از هویت طلاب جهادی بیان می کند. وی می گوید: «برخی از ویژگی های فعالیت های جهادی در دوران دفاع مقدس عبارت بود از:

۱. بدون مزد دنیوی: فعالیت جهادی به فعالیتی گفته می شود که مزد دنیوی - چه مادی و چه غیرمادی - ندارد. به عبارت دیگر، فعالان جهادی بدون چشم داشت فعالیت می کنند و اگر مزدی هست، این مزد به تعبیر قرآنی، فی سبیل الله است. یعنی مزدشان از سوی خداست؛

۲. تمام وقت بودن فعالیت: یک بسیجی، جانانه و جان برکف وارد میدان می شد و همه توان و نیروی خود را می آورد؛

۳. تناسب داشتن با موضوع: فعالیت بسیج به تناسب نیاز و موضوع شکل می گیرد یعنی مقطع بندی زمانی دارد و فارغ از شغل است.

کار این بزرگواران اشتباه است، کارشان بسیار ارزشمند و درست بود، ولی احساس می کنم یک اشتباهی صورت گرفت که مفهوم جهاد و مدیریت جهادی و حرکت جهادی را با تضییق معنایی مواجه کرد. بدین ترتیب بخشی از فعالیت طلاب برای اعاده حیثیت بود.»^{۱۰}

این نگاه انتقادی از سوی دکتر حسین پرکان نیز ارائه شده است. وی معتقد است: «که انگیزه گروه های جهادی طلبه خیلی با یک دیگر متفاوت است. از اخلاص کامل در آن ها مشاهده می شود تا حضور در صحنه برای اهداف خاص صنفی. برخی از گروه ها اعلام می کنند هدف ما از حضور در صحنه اثبات خوب بودن قشر روحانی برای مردم است. هدف برخی از گروه های طلبه، تثبیت و ارتقای جایگاه اجتماعی روحانیت در اذهان مردم است. این گونه اهداف، به نوعی تقلیل اهداف روحانیت از خدمت رسانی برای رضای خدا به اهداف خاص صنفی است. اگر چه این دو در تناقض با یک دیگر نیستند، اما سطح آن ها با یک دیگر بسیار متفاوت است.»^{۱۱}

البته ایشان به اهداف دیگری اشاره می کند، مانند علقه های اجتماعی و حل مشکلات مردم که در کسوت روحانیت به نحو مؤثرتری قابل دستیابی است.

به نظر می رسد روحانیت می بایست از طریق حضور اجتماعی خود به ویژه با انتقال هوش مندانانه ارزش ها و باورهای دینی از طریق شیوه های نوین و خدمت رسانی به خصوص در عرصه آسیب های اجتماعی و

۴. مردمی و بدون پیش شرط: ورود به بسیج شرط نداشت و همه اقشار اعم از زن و مرد و پیر و جوان با هر موقعیتی می توانستند در قالب بسیجی در جبهه حضور پیدا کنند. افراد با تحصیلات پایین و تحصیلات عالی، ثروتمند و فقیر، طبقات بالا و طبقات پایین در بسیج حضور داشتند و به صورت کلی، مردمی بود و وابستگی نهادی نداشت. هر فعالیتی که این ویژگی‌ها را داشته باشد، یک فعالیت جهادی است.»

ایشان سپس درباره نسبت فعالیت‌های جهادی با هویت و نقش طلبه‌ها توضیح می‌دهد: «اگر طلاب می‌خواهند فعالیت جهادی انجام بدهند، این فعالیت باید مربوط به نقش خودشان باشد، رسالت و نقش اولیه طلاب، تبلیغ دین است. اخیراً دیدم بعضی مراکز یا فعالان جهادی طلبه می‌گفتند در این ایام کرونا باید هر نوع فعالیتی را انجام دهیم. مثلاً اگر در پمپ بنزین نیاز است، طلبه وارد شود و به مردم در بنزین زدن کمک کند. به نظر من این امر درست نیست، چون خروج از نقش طلاب است. اگر طلبه‌ها این کار را انجام دهند، بعد از آن، با بحران نقش مواجه می‌شوند و نگاه مردم به طلبه‌ها عوض می‌شود. طلاب باید فعالیت‌هایی مانند غسل دادن اجساد کرونایی، یا فعالیت‌های تبلیغی در بیمارستان را انجام دهند که در راستای نقش طلبه است. از جمله فعالیت‌های خوبی که انجام شد، اصلاح برخی شعارها بود، برخی شعارهایی که ساختیم مانند «ما کرونا را شکست می‌دهیم»، قدری

سکولار بود؛ چینی‌ها هم همین شعار را دادند. ما باید در این جا تغییر می‌دادیم که با تلاش دوستان شعار ما به «به مدد الهی کرونا را شکست می‌دهیم» تغییر پیدا کرد.»^{۱۲} اگرچه خان محمدی، معیاری برای هم‌راستایی فعالیت‌های طلاب و نقش آنان ارائه نمی‌دهد اما با ذکر مصادیق پیش گفته به اقداماتی اشاره می‌کند که نقش طلاب در جنبه‌های تبلیغ دین در آن‌ها آشکارتر است. لطیفی نیز معتقد است: اگرچه برخی از فعالیت‌های طلاب برای اعاده حیثیت لازم بود اما نیازمند بازنگری در ایفای نقش‌های چند وجهی هستیم. جایگاه طلبه و نظام روحانیت ما، جایگاهی است که بایستی نقش رهبری خودش را در مدیریت این فضا حفظ بکند. ما یک تلقی اعوجاجی از مدیریت جهادی داریم. این که می‌گویم نقش رهبری و شأن رهبری باید حفظ بشود، منظور این است که برای داشتن این شان، طلبه باید در میانه میدان حضور داشته باشد و مانند یک فرمانده عمل کند. در ابتدای این حادثه دیدیم برخی انتظار دارند یک طلبه هرکاری را انجام دهد. شخشا در بعضی محلات دیدم که طلبه‌ها محله‌ها را ضد عفونی می‌کردند ولی دیگر جوانان صرفاً نگاه می‌کردند. این باعث می‌شود نقش و توان رهبری طلبه از بین برود. من این تعبیر را به کار می‌برم، مثل فرمانده‌ای که شب عملیات بگوید به میدان مین خوریم و می‌خواهیم خط را باز بکنیم و بعد بگویید برادران شما نروید و خودش روی مین برود و به شهادت برسد و خط را هم باز کند.

وی در ادامه به تفاوت میان قرارگرفتن در موقعیت بیمارستان و فعالیت در بحران‌هایی مانند سیل و زلزله می‌پردازد: نکته دوم برای فعالیت در بیمارستان این است که ما در دل یک بوروکراسی بسیار سخت و جایی که روحانیت و علما و حوزه هنوز نتوانسته بودند ورود مستقیم و جدی داشته باشند، توانستیم یک عملیات جهادی انجام بدهیم. در حادثه سیل و زلزله، ورود اقشار مختلف اعم از طلبه و غیرطلبه بسیار راحت است و مخاطب ما، عموم مردم است اما برای ورود به محیط خاص بیمارستان، به صورت طبیعی پرسنل رسمی، نسبت به غیرخود، موضع خیلی سختی دارد. رعایت ملاحظات مانند عدم ورود به منازعات طب سنتی و طب اسلامی و طب مدرن یکی از شرط‌های لازم برای موفقیت در این میدان است.^{۱۳}

تجربه کنش‌های جهادی نشان‌دهنده نوع ویژه‌ای از نظم تشکیلاتی است که چه به صورت سلسله مراتبی یا شبکه‌ای با شرایط سخت نظم‌های بوروکراتیک دم‌ساز نیست. تا وقتی فعالیت جهادی باشد و هیچ ارتباط سازمانی نداشته باشد، سرعت پیشرفت کار، خیلی خوب است اما وقتی بخشی از کارها به یک سازمان مرتبط می‌شود، به دلیل فقدان چابکی در سازمان، از سرعت کار به شدت کاسته می‌شود. به نظر می‌رسد حل این نظم دوگانه که در یک فعالیت مشترک در پی حل بحرانند نیازمند ارائه الگوی هم‌ساز و نه همگون می‌باشد.

از منظر دیگری خان‌محمدی، مشکل اقدام جهادی را در گیرودار نظم‌یافتگی نهادی

یک چنین فضایی را ما در این عرصه دیدیم. در تاریخ معاصر خودمان و حتی در دوره انقلاب اسلامی، نمونه‌های زیادی از طلاب داشتیم که نقش رهبری در عرصه خدمات اجتماعی را بر عهده داشتند. مشکلمان این است که مفهومی به اسم «علمای بلاد» کاملاً از بین رفته و عالم بلاد نداریم. اگر حیثیت و مرجعیت عالمان شهرمان، خدشه‌دار شده است، به آن دلیل است که در طول سال در کنار مردم نیستند.

● رسم جهادی در فضای نظم بوروکراتیک

یکی از مشکلات و ابهاماتی که پیش‌روی فعالیت‌های جهادی طلاب در دوره بحران قرار داشته است تعامل گروه‌های خودجوش و غیرنهادی با سازمان‌های رسمی و بوروکراتیک می‌باشد. حجة الاسلام شفیعی از تجربیاتش می‌گوید: ورود ما به بیمارستان با یک اتفاق و ارتباط غیررسمی و نه بر اساس فرایندهای اداری شکل گرفت. اگر بخواهیم تجربه‌ای برای آینده لحاظ بکنیم، شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها این باشد که نباید منتظر کارهای سازمانی و اداری باشیم. فرایندهای اداری و رسمی، هم زمان‌بر و طولانی است و هم اینکه احتمال موفقیت و به نتیجه رسیدن آن بسیار پایین است. آن چیزی که می‌تواند به سرعت مسئله را حل کند، ارتباطات غیررسمی و دوستانه است. بعد از ورود به بیمارستان، فعالیت‌های خود را در چند حوزه شامل: همراه جهادی، توزیع خوراکی و کمک در خیریه‌ای ویژه معلولان و بیماران طبقه‌بندی کردیم.

می‌داند و به آسیب‌شناسی آن می‌پردازد. وی معتقد است: یک آسیب‌جدی فعالیت‌های جهادی تمایل آن‌ها به سازمانی و نهادی شدن است. در فعالیت جهادی، نظم نهادینه شده‌ای وجود ندارد، کارایی معمولاً کم است و تلفات زیاد است. در دوران دفاع مقدس نیز، بسیجیان نظم نهادی شده نداشتند، میزان شهدای بسیجی بالا بود ولی چون جهادی عمل می‌کردند، بسیار موفق بودند و واقعاً جنگ را بسیجی‌ها پیروز کردند. ما در این جا با یک چالش مواجه هستیم. تمایل به نظم‌بخشی سبب می‌شود این‌گونه نهادها، میل به نهادینه شدن داشته باشند. وقتی بسیج تبدیل به نهاد می‌شود، از وضعیت جهادی خارج می‌شود. چالش ما این است که چگونه هم در وضعیت جهادی بمانیم و هم از اتلاف وقت و تلفات زیاد پرهیز کنیم و هم از سوی دیگر نهادینه نشویم. فعالیت‌های جهادی مخصوصاً در پدیده کرونا یا ابتلای کرونا، باید زیرنظر و خواسته‌های رسمی انجام شود. اگر نیروهای جهادی بخواهند مستقل عمل کنند، بی‌نظمی به وجود می‌آید. منتها نباید به گونه‌ای باشد که تابع و پیرو یک نهاد باشند و یا این که خودشان به یک نهاد و سازمان تبدیل شوند. گروه‌های جهادی باید به سمت یک نظم جامعه‌شناختی حرکت کنند نه نظم ساختاری و مفهوم مدیریتی.^{۱۴}

● فرجام سخن

ورود طلاب حوزه در قالب گروه‌های جهادی

فراتر از موضوعی خاص، «چیستی نقش و مسئله قرارگرفتن حوزویان در موقعیت فرانش» را پیش می‌کشد. در این که حوزویان یک هویت اصلی و شأنی دارند - پیش‌تر به آن اشاره شد - و نقش‌ها و مسئولیت‌هایی برعهده آنان قرار می‌دهد اختلافی وجود ندارد. اما گاهی مقتضیات زمان و شرایط محیطی، حوزویان را در موقعیت فرانش قرار می‌دهد. حضور در محیط‌های سیاسی و سازمان‌های رسمی و اداری، درگیرشدن در مسائل و موضوعات متعدد و متنوع اجتماعی و حتی ورود به حوزه‌های اقتصادی، این پرسش را به میان آورده است که قرارگرفتن حوزویان در این موقعیت‌ها مطابق با شأن و هویت آنان می‌باشد؟ آیا آنان فراتر از نقش‌های خود رفته‌اند و گرفتار بحران هویت شده‌اند؟

پرسش از نقش و هویت حوزویان از دو سو مطرح شده است: یکی، درون حوزوی و دیگری، برون حوزوی. به طور مثال در گذشته، عده‌ای درون حوزه، حتی پوشیدن لباس جُندی (نظامی) توسط روحانیون را خلاف شأن و خلاف مروت می‌دانستند و طلاب را شایسته ورود به بسیاری از نقش‌ها نمی‌دانستند؛ حال آن که در زمانی دیگر در دفاع از مسلمین و جامعه اسلامی، واجب شرعی (کفایی) بشمار می‌آید. اکنون نیز گونه‌های زیادی از حوزویان هستند که کنش‌گری روحانیت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را منع می‌کنند و آن را آفتی برای این هویت برمی‌شمارند. اما در سویه بیرون

ایفا می‌کند نیازمند سنج‌های اجتماعی و به تعبیری ملاحظه عرف اجتماعی است. اعضای جامعه که مخاطبان روحانیت در امر تبلیغ دینی هستند باید این صنف را به مثابه گروه مرجع بپذیرند و در غیر این صورت نقش اصلی آنان مورد مناقشه واقع می‌شود. البته ملاحظه اجتماعی نیز امر قطعی به شمار نمی‌آید؛ چرا که گاهی هنجارهای اجتماعی و سنن متداول در جامعه مغایر با احکام الهی، مبتنی بر بدعت و یا خرافات است و پیروی از آنها مذموم است. «به بیان دیگر، عرف جامعه و هنجار عمومی نه موضوع مستقلی برای مخالفت است و نه موضوع مستقلی برای تبعیت؛ یعنی نه مخالفت با عرف همیشه ارزش به‌شمار می‌رود و نه لازم است که همیشه به‌دنبال آن حرکت شود. اما شخصیت انسان نباید در نظر مردم، یک شخصیت ناهنجار، منفرد، لجباز، بی‌منطق و همیشه متفاوت باشد. بنابراین، تا آن جا که واجب یا مصلحت اهمی اقتضا نکند، شایسته است انسان از رویه متعارف و هنجار عمومی پیروی کند.»^{۱۶}

از سوی دیگر حضور اجتماعی روحانیون مزیت‌های دیگری نیز دارد. به طور مثال در تحقیقات میدانی مهم‌ترین جنبه‌ای که اعتبار این نوع از تحقیقات را بیشتر می‌کند حضور مستقیم طلاب پژوهش‌گر در محیط بحران‌زده است. فعالیت‌های میدانی، انبانی از تجربیات زیسته و داده‌های اجتماعی معتبر را در اختیار محققان حوزوی قرار می‌دهد تا بر مبنای آن به

حوزوی متغیرهای سیاسی، اجتماعی دخالت دارد. جامعه‌شناسان اغلب جابجایی نقش و ورود حوزویان به موقعیت‌های فرانش را آسیبی به جایگاه مرجعیت آنان در جامعه می‌دانند. بنابراین هر دو سوگیری ارزیابی خود را به طور مشخص، بر پذیرش و یا عدم پذیرش کردارهای روحانیون توسط عرف عام قرار می‌دهند. این معیار پسندیده‌ای است که قرارگرفتن آنان در فرانش را ارزیابی می‌کند. نمونه‌های فراوانی در سیره علمای دوران گذشته و حال می‌توان اشاره نمود که آنان در موقعیت‌های فرانش قرار داشته‌اند. به طور مثال درباره آیه‌الله شیخ غلامرضا یزدی و سیره ایشان، موارد زیادی ثبت شده است. ایشان حتی به معیشت مردم نیازمند هم توجه داشت آن هم نه از باب تبلیغ دین، بلکه از جهت انسانی. مقام معظم رهبری در جایی با اشاره به رسیدگی شیخ غلامرضا یزدی به فقرای زردشتی و کلیمی یزد و بردن نان و آرد به منازل ایشان می‌فرماید: این آدم یهودی است و به خدا، پیغمبر، قرآن و دین ما هیچ اعتقادی ندارد، اما صرف این که فقیر است و احتیاج به کمک دارد و انسان است □ همان که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَّا شَبِيه لَكَ فِي الْخَلْقِ» - موجب می‌شود ایشان [شیخ غلامرضا یزدی] برود این خدمات را انجام بدهد.^{۱۵}

در سویه‌های درون حوزوی، طلبه‌زیستن تنها یک موضوع صنفی نیست، بلکه مسئله‌ای اجتماعی است. بنابراین داوری درباره تناسب نقش‌هایی که یک طلبه و روحانی از خود

سیاست گذاری فرهنگی بپردازند.

گاهی نیز طلاب در نقش هایی فرو می روند که اصالتی برای آنان ندارد، اما فرصتی فراهم می سازد تا بتوانند مخاطب و محیط اجتماعی تبلیغ دینی خود را بشناسند و به اقتضای آن، فعالیت دینی خود را سامان دهند و رضایت مخاطبان خود را با تنوع سلیقی که دارند جلب نمایند و از این طریق، موقعیت مرجعیت اجتماعی خود را ارتقا بخشند.

اما همه این ها برای حوزویانی که در موقعیت فرائقش و هویت اقتضایی قرار می گیرند ممکن است آسیب هایی به همراه داشته باشد. مهم ترین آسیب حل شدن آنان در فرائقش هاست؛ به طور مثال در موقعیت های اداری، نقش کارمندی بر نقش حوزوی آنان غلبه می یابد و یا همین طلاب جهادی گاهی چنان در نقش خود فرو می روند که موقعیت عالمانه خود را دچار اختلال می کنند و از آن دور می شوند.

پی نوشت:

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. برای مشاهده نمونه هایی از این برداشت. ر.ک: نشریه پیام حوزه، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۱۲، ص ۱۰۴.

۲. توبه، آیه ۱۲۲: شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند (و طایفه ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار)

بترسند، و خودداری کنند.

۳. محمدعلی تسخیری، حول الشیعه والمرجعه فی الوقت الحاضر، المجمع العالمی لاهل البیت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۲۲ق، ص ۱۹۲.

۴. محسن الویری، حوزه های علمیه، دائره المعارف آموزش عالی، زیر نظر نادرقلی قورچیان و دیگران، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۹ و ۳۶۸.

۵. رضا بابایی در یادداشت «سکولاریسم شرقی» که در فضای مجازی انتشار یافته است.

۶. حجة الاسلام والمسلمین حسینی کوهساری، سایت شفقنا، ۱ تیر ۱۳۹۹، کد خبر ۹۶۱۸۴۶.

۷. مهدی مولایی آرانی، مسائل فرهنگی - اجتماعی کرونا و پیامدهای آن در عرصه حکمرانی (گفت و گوهای تحلیلی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹، ص ۲۴۹.

۸. همان، ص ۲۵۲.

۹. همان، ۲۸۵.

۱۰. همان، ص ۲۶۹.

۱۱. همان، ص ۲۸۷.

۱۲. همان، ص ۲۶۴-۲۶۷.

۱۳. همان، ص ۲۴۷.

۱۴. همان، ص ۲۶۶.

۱۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار برگزارکنندگان کنگره ملی بزرگداشت مرحوم آیه الله حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی)، ۱۳۹۶/۵/۳۰.

۱۶. محمد عالمزاده نوری، مراعات زی طلبگی: حفظ آبروی هزار ساله روحانیت شیعه، مجله حوزه، ویژه بزرگداشت آیه الله شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی)، ۱۳۹۶، ص ۸۵.

